

# نقد مصاحبه اعلیحضرت در واشنگتن

## استودیو ۲۴ نیوز

### دعوت به مداخله

(قسمت چهارم)

امیرفیض- حقوقدان

یکم - >امروز مردم ایران زیر فشار شدید هستند؛ خواهان نوعی دخالت جامعه بین المللی در حمایت از خویش هستند.<

دوم - >آیا مایل هستید، ایالات متحده و یا اعضای دیگر جامعه بین المللی نقش فعالی در تغییر رژیم بازی کنند؟<

پاسخ بلی است بخاطر اینکه ارزشهای مشترکی داریم.....

(از مصاحبه مورد نقد)

### نقد یکم:

این نظریه اعلیحضرت بمناسبت ذات آن که نظراست و متوجه شخصیت خاصی است در عین اینکه در جایگاه احترام قرارداد، شاخصی گویا در موضع انتقاد است زیرا نه از منشاء حکمت و نه نص است.

### انتقاد بر نظر

❖❖ اصولا نمیتوان فشار اقتصادی و یا سیاسی دولت رابه ملت، از اسباب لزوم دخالت جامعه بین المللی دانست؛ زیرا فشار دولت و مراتب و ضایعات آن در کادر حقوق داخلی قابل تحقق و بررسی است و دخالت در امور کشورها در کادر ممنوعیت حقوق بین الملل و چنین دخالتی به استناد منشور سازمان ملل متحد ممنوع است.

ممنوعیت مزبور نه تنها در تصویب منشور سازمان ملل مقید شده بلکه قرارداد بین المللی هلسنکی نیز به رعایت آن ایجاد الزام کرده است.

❖❖ به اعتبار حقوق بین الملل صلاحیت مردم کشورها در محدوده کشور خود و قوانین و سلسله مراتب قانونی کشور متبوع جاری است؛ آنها در خارج از کشور نه حکومت سیاسی دارند و نه اجازه ایجاد حق سیاسی برای دولت.

❁❁ با آنکه مردم کشورما فاقد حق مراجعه به کشورها برای خواست های سیاسی خود میباشند و با آنکه مردم ایران سالهاست زیر فشار شدید فرقه تبهکار هستند، هیچگاه علامتی ویا حرکتی قابل قبول، مبنی بر دعوت از جامعه بین المللی برای دخالت در امورکشورشان را نداشته اند این خود داری طبیعت انسانها نسبت به کشورشان است. شخص اعلیحضرت هم منادی این پیام بوده اند که کمک های خارجیان را برای نجات ایران نفی فرموده اند و توسل کنندگان به خارجیان را طرف عتاب و بی مهری قرارداد اند (مصاحبه دهه ۶۰).

❁❁ مگریادمان رفته که وزیرخارجه آمریکا گفت: «ما بناپردرخواست مخالفان اسد وارد مسئله سوریه شده ایم» انتساب این مسئله یعنی اعلام موافقت ودرخواست مردم ایران به دخالت جامعه جهانی در امور کشورمان ازجانب اعلیحضرت چیز کوچک وکم اهمیتی نیست فساد آن ناگفتنی است وبهره برداری از آن برای خارجیان در تسلط بر ایران را بصورت یک حق تفویضی ازجانب ملت ایران در میآورد وتکرار نسخه درخواست مخالفان اسد از آمریکاست وتکرار درخواست مخالفان شاه از آمریکا در جریان شورش ۵۷ است.

❁❁ افراد عادی ممکن است دراتکای به کمک بیگانگان ودعوت آنها به مداخله وحتى حمله نظامی مسئولیت فردی داشته باشند ولی رهبران مخالف جمهوری اسلامی ودرصدر آنها نماد ملت ایران که اعلیحضرت هستند نمیتوانند بسادگی بندهای مستحکم درضوابط قانون اساسی وحرمت ملت وکشور را نادیده بگیرند.

❁❁ گرچه <دخالت جامعه بین المللی> حد آن به تصمیم جامعه بین المللی وشورای امنیت سازمان محدود شده است و موضوع مستقلی است که ارتباطی به مردم ایران پیدا نمیکند ولی همین دعوت آنها بنام ملت ایران کلید دعوت به دخالت است؛ که قفل های ممنوعیت منشورسازمان ملل رابراحتی باز میکند.

## دلیل این ادعا چیست

❁❁ اساسا معیارسنجش خواست مردم دردخالت بیگانگان وحمايت آنها چیست؟ ادعای به این بزرگی با کدام دلایلی همراه است! اظهارنظرهای متقن خارجیان وایرانیان که روی مسائل ایران امروز، تبحر دارند گواه است که ایرانیان باهرقدرتنگناهای زندگی مایل به دخالت خارجیان درامورکشورشان نیستند چگونه میتوان این اشارات وشهادتهای قاطع را نادیده گرفت وفصل مخالف آنها گشود وبه ادعای دخالت خارجیان جنبه اعتباری داد؟

## گواهان ودلائل

❁❁ مایکل هانلون تحلیلگرموسسه معروف بروکینگر معتقد است که:

>حتی مهره های اصلاح طلب ایرانی پذیرای هیچگونه موعظه ای از جانب آمریکا نیستند و از آن ابراز انزجار میکنند<

(کیهان لندن شماره ۱۰۶۰)

ابراز انزجار از موعظه کجا، تا درخواست مداخله و کمک و حمایت از بیگانگان کجا؟

\*\*\* در ایران هرکس که از آمریکا پول بگیرد در چشم مردم ایران آلوده جلوه گر خواهد شد.

(عباس میلانی کیهان لندن) ۱

\*\*\* منوچهر گنجی که خودش این آزمایش را گذرانده گفته است:

هر مبارزه و تلاشی که آلوده به نام آمریکا باشد در ایران باشکست روبروست، و با رسوائی و ننگ روبروست.

(سنگر ۱۵ فروردین ۱۳۸۵)

\*\*\* و بالاخره توجه خاص اعلیحضرت به مورد است؛ که فرموده اند:

>نمیدانم کودکان فرانسوی که امروز اجدادشان در جنگ جهانی دوم جنگیدند میتوانند نوه ها و فرزندان سربازان آلمانی را ببخشند یا نه، ولی هرچه باشد به یک امر اطمینان دارم و آن این است که هیچ فرانسوی نیست که فرانسویانی که با آلمان همکاری کرده اند را بخشوده باشند<

(کنفرانس مطبوعاتی پاریس)

(علاقمندان به دلایل و شهود بیشتر در محکومیت حمایت خارجی به سنگر ۴۴۷+۳۳۲ رجوع فرمایند)

### دعوت به مقابله

این تحریر از همه کسانی که داعیه دخالت و کمک خارجیان را برای نجات ایران دارند دعوت به ارائه دلیل برای اثبات ادعای خودشان میکند که مدعی اند >مردم ایران خواهان نوعی دخالت جامعه جهانی هستند< چگونه میتوان از جانب ۸۰ میلیون مردم ایران به چنین ادعائی لباس و جاهت و اعتبار پوشانید؟!<

\*\*\* امروزه مردم ایران حدود ۸۰ میلیون اعلام شده است. حکم استصحاب این است که اصل، مخالفت

مردم ایران با دخالت خارجیان در امور کشورشان است؛ اکنون از مدعیان خلاف اصل مزبور دعوت به مقابله میشود که براه اثبات ادعا قدم بگذارند و تنها یک طومار ۵۰۰۰ تنی یعنی یک ۱۶ هزارم جمعیت ایران برای تائید ادعایشان ارایه بدهند و یا هر دلیل دیگری که میتوانند. اگر این تحریر به طومار و یا

۱- ولی همین آقای عباس میلانی در موسسه استنفورد آمریکا از مزدهایی که آمریکایی ها به او میپردازند تنها به انقاد از دوران پادشاهی بسنده میکند و خوب هم پول میگیرد. ح-ک

فراخوان اشاره کرد برای این است که مخالفان جمهوری اسلامی دست به فراخوان خوبی دارند و فراخوان دات کام ۶۰ میلیونی!! سابقه کار آنهاست.

\*\*\* آمار و اظهارات مقامات جمهوری اسلامی از سقوط سطح زندگی و افزایش هزینه زندگی و سقوط امنیت اجتماعی و اخلاقی مردم دلیل قاطعی بر عدم رضایت آنها از فرقه تبهکار جمهوری اسلامی است؛ آیا چنین دلایل و قرآنی بر رضایت و موافقت ایرانیان با دخالت خارجیان در امور ایران وجود دارد؟

\*\*\* آیا شعارهای جاری در آرامگاه کوروش حکایت از دعوت خارجیان به مداخله در امور ایران بود؟

\*\*\* آیا پیام هائی که از ایرانیان به اعلیحضرت در تلگرام میرسد حکایت از درخواست آنان برای دخالت آمریکا برای نجات آنهاست؟

چرا جهل وجد بشود که امری خلاف وواهی وبسیارزیان سازبرای کشوررابصورت یک قاعده مورد استقبال ایرانیان به جهان سیاست اعلام شود؟ این کاربه هیچوجه از نظرمنطق عقلی ومنافع ملی درست نیست.

اصل منطقی و عقلی همان است که اعلیحضرت در مصاحبه با رادیو فردا فرمودند و آن این بود که؛ «اگر قرار باشد مشکل ما با جمهوری اسلامی، با اسلام ستیزی حل شود من ترجیح میدهم که همین جمهوری اسلامی روی کار بماند».

## **دراستساج از مورد- اگر قرار باشد مشکل ما با جمهوری اسلامی با حمایت و دخالت خارجیان حل**

**شود، هر ایرانی باک سر شت و با غیر باک سر شت مانند ننده تر حیح میدهد که همین فرقه تبهکار بماند**

### **تا خارجیان بر کشور ما مسلط شوند. ۲**

زیرا هرچه باشد فرقه تبهکاران هم ایرانی هستند و بالاخره ایرانیان قادر خواهند بود که آنها را از قدرت پائین بکشند ولی آمریکا که آمد دیگر محال است که بتوان آنها بیرون کرد به همین جریان مذاکرات برجام توجه کنید که بطور رسمی وقانونی ۲۵ سال برگرد ما ایرانیان سوار شده اند به افغانستان و عراق نگاه کنید که چیزی که اصلا مطرح نیست بیرون رفتن آمریکائی هاست، هم امروز تمام مردم فیلیپین و رئیس جمهور آن کشور خواهان خروج آمریکا از فیلیپین هستند و حتی رئیس جمهوری آن کشور در ابراز مخالفت با آمریکا



۲- بارها نوشته و تکرار شده، اگر قرار باشد در پروسه نجات کشور، ایران تجزیه شود و یا دست بیگانگان در کنترل امور کشور دخالت مستقیم یا غیر مستقیم داشته باشد یا هردو، گرچه این رژیم خود آلت دست بیگانه است ولی ترجیح دارد بماند تا چیزی که جایگزین میشود یک دولت اسیر و دست نشانده دیگر به همراه تجزیه کشور باشد.  
ح-ک

شناسایی کشورش را از تایوان برداشت با این وجود نمیتواند شر آمریکا را از کشورش حتی قدری کم کند؛ آمریکایی ها وقتی میآیند مانند روغن پخش میشوند و دیگر نمیشود آنها را جمع کرد. ۲

## افراد و نماد ملی

افراد، فاقد ظرفیت کنترل اخلاقی هستند بهمین دلیل قانون، ناظر بر ظرفیت و عمل آنهاست و معمولاً اظهارات آنان برسبیل آزادی بیان و نظر شناخته میشود و هرچی هم بر آنان نیست و نظر آنان مستند حقی له و علیه جامعه نمیشود ولی نماد ملی یک کشور، رئیس یک کشور، اظهاراتش ایجاد حق میکند و یا لااقل جواز ورود به صحنه حق را پیدا میکند و اینجاست که امر احتیاط را در چارچوب نص و سنت و قانون لازم میسازد که متأسفانه اعلیحضرت به این مهم عنایت لازم را مبذول ندارند.

## واژه های بی معنا

در کمال تاسف در فرهنگ مبارزه سیاسی ما ایرانیان واژه هائی رونیده شده که در عین بی معنایی، مترصد بارهای سنگینی از زیان و آثار حقوقی است و چنان این واژه ها جا افتاده که، مکرر در جایگاه مبتدا و خبر قرار میگیرند مانند: نوعی دخالت جامعه جهانی، فعالیت های بدون خشونت، حمایت ضمنی قدرت های جهانی و امثال آنها...

❁❁ موضوع قابل توجه این است، که افراد بشر از عناوین، آنچه را خود تداعی میکند و یا بر آن خیال و تصور بنا میسازد می اندیشد و به شمول وسیع و دامنه های نا پیدای آن توجهی ندارند و خیال میکند که آنچه که او برداشت فکری دارد تمام و کمال است. آنقدر در این فکر باطله خود مشغول است که حتی تجربه ای هم که دارد حاضر نیست از آن بهره گیری نماید. بیشتر مسائل در همین مسیر فکری حرکت میکند از دواج، کسب، تحصیل و استخدام و همه همه با ملات همین قاعده شکل میگیرد.

مثلاً وقتی موضوع دعوت دخالت کشورهای بیگانه در امور ایران در مقابل اقدامات فرقه تبهکار مطرح میشود انسان ساده فکر میکند که خیلی طرح خوبی است آمریکا ویا جامعه جهانی میآیند و این فرقه تبهکار ناپاک را بیرون میکنند و میروند و بقیه اش با مردم ایران است؛ «انتخابات آزاد میکنند، سکولاریسم میکنند، آشتی ملی میکنند و ایرانیان زیر سایه حقوق بشر زندگی خواهند کرد» (از بیانات اعلیحضرت) واقعا دیگر چه میخواهیم از این راحت تر و بهتر «شکر کن و در یوزگی پیشه کن» > مرگ میخوای بروگیلان.<

## نوعی دخالت جهانی

همین واژه <نوعی دخالت جامعه جهانی> که در مصاحبه اعلیحضرت در مقام عبارت زیربنایی بکار رفته با کدام تعریف حقوق بین الملل همراه و در کدام جایگاه تصویب، قرار دارد و حد و حدود آن چیست؟ و اساساً

۳- مردم پورتوریکو در روز ۱۳ جون ۲۰۱۷ آماده شده اند تا با شرکت در فراندی در خواست کنند تا کشورشان استان ۵۱ ام آمریکا بشود؛ زیرا نفوذ و کنترل آمریکا در این کشور به اندازه ای است که استقلال داخلی و تمامیت ارضی در آن بی معنی شده است. ح-ک

واژه **نوعی** که امری نظری و نااثبات است چگونه میتواند مبنای مداخله در امور کشورها قرارگیرد؟ البته که خیر ولی ظاهر عبارت که از عنوان جامعه جهانی برخوردار است ننگ و ابهام نوعی دخالت را پوشش میدهد و مانع جریان انتقادات میگردد.

### **به این نمونه نگاه کنید**

اکنون برای احراز آنچه در رابطه با سطحی فکرکردن عرض شد به این سند و نمونه که جنبه اجرایی آن کاملاً مکشوف است نگاه میکنیم:

یکی از اعضای مهم نهضت آزادی بنام بهرامیان به سفارت آمریکا میگوید:

[[ایرانیان از شاه متنفرند (تطبیق؛ ایرانیها از فرقه تبهکار متنفرند) و میخواهند که او برود. ما برای خلاص شدن از شر او از شما کمک میخواهیم (تطبیق) = درست درخواست سی و چند ساله برخی از ایرانیان و شخص اعلیحضرت از آمریکا) از شما کمک میخواهیم (تطبیق، درخواست های کمک متوالی از آمریکا) فقط موافقت کنید که برای تغییر بما کمک کنید (تطبیق، درست درخواست های اخیر از آمریکا) نهضت آزادی امیدوار است که موافقت ایالات متحده برای فعالیت های بدون خشونت که به خلاص شدن از شرسلسله پهلوی بیانجامد رابدست آورد]] (جلد ۲۴ اسناد سفارت آمریکا)

ملاحظه میفرمائید که درخواست های مکرر بخشی از ایرانیان خارج نشین دقیقاً کپی همان درخواست های شورشیان قبل از ۵۷ است و باز ملاحظه دارید که با قبول درخواست آنان از سوی آمریکا چه مشکلات عظیم و غیرقابل پیش بینی به کشور ما تحمیل شد که پایان آنها نامعلوم است **می بینید که بیشتر مدعوین خارجی برای دخالت در امور ایران و کمک به شورشیان به درک واصل شده اند ولی اثارکار و دعوت آنان همچنان ادامه دارد** و پایان آنها به هیچوجه روشن نیست.

آنچه عرض شد قاعده عمومی و آثار ناشیه از روند خلاف اصل و قوانین بنیادی است، همین روالی که در شورش ۵۷ بکار رفت یعنی دعوت بیگانه به مداخله در امور ایران، در عراق و در سوریه و لیبی هم بکار رفت یعنی گروهی که خیال میکردند مشکل کشورشان با مداخله خارجی حل میشود به استقبال دعوت از خارجیان برای مداخله در کشورشان رفتند و سرنوشت های جاری را برای ملت و کشورشان رقم زدند.

### **خود داوری**

بخش عظیمی از ایرانیان خارج از کشور حدود سی و چند سال است که در انتظار دخالت آشکار و پنهانی خارجیان در مسئله ایران هستند و حتی صریحاً اعلام کرده اند که بدون حمایت و دخالت خارجیان نجات ایران ممکن نیست، و همینطور نشسته اند که آمریکا ایران را نجات بدهد و دو دستی بدهد به آنها!

آیا در مقابل این سوال، که شما برای نجات کشورتان در این سی و چند سال چه کرده اید، پاسخی دارید یک وقت انسان همه تلاش و کوشش خود را میکند و تمام درها را بسته می بیند و ناچار میشود که از کلید عوضی ویا دیوارخانه همسایه کمک بگیرد ولی آیا ما چنین تقلانی را کرده ایم؟ البته که خیر.

آیا فکر کرده ایم که چرا از این تقلاها که حق و امرطبیعی ماست محروم مانده ایم، تاحدی که بعد از ۳۸ سال صف آرائی در مبارزه رهبرمعنوی و نماد هویت ملی ما میفرمایند آلترناتیوی درمقابل جمهوری اسلامی وجود ندارد.

وقتی رهبرمبارزه ما میفرمایند؛ آلترناتیوی وجود ندارد چگونه از خارجیان توقع دارند که به چیز نا موجود کمک کنند و اساسا چیزی که وجود مشروع ندارد چه حقی دارد که از خارجیان دعوت کند. اول باید موانع ایجاد آلترناتیو را جستجو کنند و در این راستاست که به این موضوع مکشوف خواهند رسید که انسانی که دست وپایش رابسته اند چگونه میتواند برای نجات کشورش از منجلاب فرقه تبهکاران پاپیش بگذارد؟ **ووقتی ملاحظه میفرمایند که ایرانیان خارج ازکشور نمیتوانند ویا بهرعلتی درک غیرت و عزت نمیکنند و نمیخواهند کمکی برای رفع محظورات سیاسی فرمانده خود باشند فرمانده باید خود نیز تقلانی بفرمایند وحد اقل، بطریق که منافی با امنیت وسلامت ایشان نباشد راهی را برای پایان این تحریم سیاسی نشان دهند.**

هم امروزخبرها حاکی است که سیف الاسلام پسر سرهنگ قذافی که به اعدام محکوم شد و اعدام او به حبس ابد تبدیل گردید از زندان آزاد شد، چرا باید فرزند شاهنشاه ایران ۴۰ سال و هنوز در اسارت و تحریم سیاسی وزارت خارجه آمریکا باشد؟؟

## دوم - ارزشهای مشترک

موکول به تحریرات آتی